دو فصل‌نامه علمی تخصصی
مطالعات اجتماعی
سال هشتم، ش سیزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۱
صفحات ۱۳۸ ـ ۱۲۷

Studies Of Muslim Contemporary Thought
Year.۸, No.۱۳
Spring and Summer ۲۰۲۲
P ۱۳۸ ـ ۱۲۷

زندگی، اندیشه و مفاهیم اساسی بوردیو

خادم علی قاسمی *

مقدمه

پیر بوردیو، پس از امیل دورکیم یک از مؤثرترین و معروف‌ترین صاحب‌نظران علوم اجتماعی فرانسه به شمار می‌رود. او به‌عنوان یک صاحب‌نظر و پژوهشگر برجسته در فرایند شناخت جامعه فرانسه و ایجاد تحول در جامعه‌شناسی فرانسه در ابعاد نظری و تجربی جایگاه و نقش تعیین‌کننده‌ای داشته است. بوردیو هیچ‌گاه نظریه را برای خود نظریه نمی‌ساخت و تقریباً همه آثارش را می‌توان به‌عنوان پاسخی به بستر عملی و واقعی دید. او مانند کنت معتقد بود قوانین اجتماعی می‌توانند همانند قوانین طبیعی مورداستفاده قرار گیرند. وجودگرایی برای او نوعی انسان‌گرایی بی‌مزه بود. مذهب برای او مهم قلمداد می‌گردد.

بوردیو در سال ۲۰۰۲ میلادی چشم از جهان فروبست، اما افکار و اندیشه‌هایش همچنان در کانون توجه جامعه شناسان باقی‌مانده است. برخی از آثار بوردیو به زبان فارسی ترجمه‌شده است؛ که این سیاهه با توجه به آثار ترجمه‌شده تهیه و تنظیم گردیده است.

---

* دانش پژوه دکترای قرآن و علوم اجتماعی/ جامعه المصطفی العالمیه/ مجتمع آموزش عالی علوم انسانی

چکیده از زندگی افکار و مفاهیم اساسی بوردیو

۱. شرح‌حال

بوردیو در سال ۱۹۳۰ در یک خانواده نسبتاً فقیر روستایی متولد شد. پس از تجربه یک زندگی ساده و پرمشقت و آشنایی بافرهنگ روستایی برای ادامه تحصیل نخست به شهر پو و پس‌ازآن به پاریس در دانش‌سرای عالی (ENS) در رشته فلسفه مشغول به تحصیل شد. او در سال ۱۹۵۵ پس از فراغت از تحصیل و آشنایی بافرهنگ شهری فرانسه، برای گذراندن دوره سربازی به الجزایر اعزام شد. در آن زمان مردم الجزایر برای رهایی از استعمار فرانسه در حال مبارزه بودند. بوردیو در طول اقامت پنج‌ساله خود در الجزایر توانست اولین آثار خود را درباره جامعه و اقشار اجتماعی آن کشور به‌ویژه روستاییان و کشاورزان منتشر نماید. او در سال ۱۹۶۰ به فرانسه بازگشت و پس از چند سال تدریس در کالج علوم اجتماعی و همکاری با ریمون آرون به ریاست مرکز جامعه‌شناسی اروپا برگزیده شد.

بوردیو پس از چند سال آموزش و پژوهش در حوزه جامعه‌شناسی سیاسی، جامعه‌شناسی معرفت، جامعه‌شناسی آموزش‌وپرورش، جامعه‌شناسی ورزش، جامعه‌شناسی هنر و ارائه نظریه کنش اجتماعی و انتشار کتاب تشخص، استاد کالج دو فرانس شد. پس‌ازاین دوره به مدت ده سال با دولت فرانسه درزمینه اصلاح ساختار و کارکرد نظام آموزش‌وپرورش همکاری کرد. او برخلاف گذشته حضورش در انظار عمومی ازجمله انجام مصاحبه با رسانه‌ها، شرکت در گرد هم‌آیی‌ها و همکاری با گروهای فشار بیشتر شد. بوردیو علیرغم اشتغال فکری که به سیاست و امور مربوط به آن داشت و مخالفتی که بافرهنگ بورژوایی و اقتصاد نئولیبرال از خود نشان می‌داد، بخش قابل‌توجه از آثارش را به حوزه فرهنگی و به‌ویژه آموزش‌وپرورش، دانش و بینش و روش‌های علوم اجتماعی اختصاص داد. در طول دهه ۱۹۷۰ او مطالعات زیادی درزمینهٔ موضوعاتی که

فصل مشترک فرهنگ، طبقه و قدرت بود، به انجام رساند. مدتی بعد سرپرستی یک گروه پژوهشی را بر عهده که کار ویراستاری گزارش‌های تحقیقی درزمینه علوم اجتماعی را انجام می‌داد. این مسئولیت در سال ۱۹۷۵ منجر به ایجاد مجله‌ای تخصصی درزمینه علوم اجتماعی شد که در آن نتایج آخرین تحقیقات در این حوزه علمی انتشار می‌یافت. در دهه ۱۹۸۰ بوردیو نسبت به جمع‌آوری پژوهش‌های خود در طول دو دهه گذشته اقدام کرد و حاصل این گردآوری‌ها تألیف کتاب‌هایی چون زبان و قدرت نمادین، انسان دانشگاهی، اشرافیت دولتی و اصول هنر بود.

بوردیو در تمام طول زندگی خود سعی کرد تا دانش نظری را با عمل پیوند بزند، او هم‌زمان با تدریس در کالج دو فرانس در برخی از دانشگاه آمریکایی مانند پرینستون، هاروارد و شیکاگو تدریس کرد او در سال ۱۹۹۳ مدال طلای مرکز ملی پژوهش‌های علمی فرانسه و در سال ۱۹۹۷ جایزه ارنست بلوخ را دریافت نمود. بوردیو یکسال پس از بازنشستگی در سن ۷۱ سالکی در ۲۳ ژانویه سال ۲۰۰۲ درگذشت.

۲. خاستگاه اجتماعی

بوردیو با مشاهده و درک نابرابری‌های موجود در درون جامعه فرانسه به‌عنوان نمونه‌ای از یک جامعه سرمایه‌داری توسعه‌یافته از طریق مقایسه وضعیت روستا با شهر و شرایط زندگی دهقانان و دهقان زادگان فقیر روستایی با بورژواها و بورژوازدگان شهری به عوامل و پیامدهای توسعه نابرابر در جامعه فرانسه پی برد. علاوه بر این او با مقایسه فرانسه به‌عنوان یک کشور سرمایه‌داری استعمارگر مرکزی با الجزایر به‌عنوان یک کشور تحت استعمار پیرامونی با توسعه نابرابر در بین جوامع نیز آشنا شد. بوردیو شرایط و پیامدهای جنگ جهانی دوم را هم تجربه کرده بود. مجموعه‌ای شرایط او را واداشت تا سلطه و نابرابری و تبعیض را در کانون توجه خود قرار دهد و فرآیند بازتولید آن‌ها را از طریق آموزش‌وپرورش

تشریح و تحلیل نماید و به بازاندیشی جامعه‌شناسی در جهت توجه بـه ایـن‌گونـه مسائل همت ورزد.

کتاب جامعه‌شناسی الجزایر نشان می‌دهد که بوردیو تا چـه حـد تحـت تأثیر شرایط خاص زندگی خود و دشواری‌هایی که مردم الجزایر با آن روبرو بودند قرارگرفته است. (بوردیو ۱۹۶۳ و ۱۹۶۲) هدف او از تدریس این کتاب نشان دادن استعمارزدگی و پیامدهای ناشی از آن بود. درواقع تجربه زندگی در الجزایر برآیند وزندگی فرهنگی و علمی او اثری ماندگاری بر جای گذاشته بود. این تجربه بـه او بینش خاصی داده بود تا بتواند تفاوت‌ها نابرابری‌ها را درک کند؛ و تحلیل درستی از وقایع اجتماعی به دست دهد. بوردیو معتقد بود وظیفه جامعه‌شناس این اسـت که عوامل نامریی در درون جامعه را شناسایی کند و شیوه‌های پنهان سلطه را در جوامع سرمایه‌داری در تمام سطوح آموزش و هنر دیده می‌شـود آشـکار سـازد. او معتقد بود طبقه مسلط سلطه خود را به‌صورت آشکار اعمال نمـی‌کنـد بلکـه ایـن سلطه را از طریق توانمندی اقتصادی، اجتماعی و نمادین بکار می‌گیرد. ایـن نـوع بینش در سراسر آثار بوردیو خود را نشان می‌دهد و می‌توان آن را متأثر از شرایط خاص زندگی او را در دوران کودکی و دوران خـدمت در الجزایـر و آشـنایی او بـا طبقات محروم این جامعه و درک نابرابری‌های اجتماعی در درون جامعه الجزایر و هم‌چنین تفاوت‌های موجود بین جوامع پیشرفته و درحال‌توسعه دانست.

۳. منابع فکری

بوردیو ضمن ارجاع به صاحب‌نظران کلاسیک نظیر کارل مـارکس، امیـل دورکیم، ماکس وبر و ...با آثار و افکار فلاسفه و جامعه‌شناسی معاصـر ازجملـه ژان پل ساتر، ادموندهوسرل، ریمون بـودن و... نیـز آشـنا بـود. او ضـمن نقـد دیـدگاه ماتریالیسم مارکس در ارتباط با مفهوم طبقه اجتماعی سعی کـرد عـلاوه بـر بعـد اقتصادی به سایر ابعاد هم توجه نماید و با وضـع مفـاهیم جدیـدی چـون فضـا و میدان اجتماعی طبقه اجتماعی را شامل افـراد مـی‌دانسـت کـه نـه‌فقـط ازلحـاظ

اقتصادی ازجمله درآمد و دارایی بلکه ازنظر سرمایه اجتماعی و فرهنگی و حتی ذائقه و سبک زندگی وضعیت مشابهی دارند. بوردیو در توجه به بعد ساختار حیات اجتماعی تحت تأثیر دورکیم، لوی اشتراوس، آلتوسر، چامسکی و... قرار داشت. ولی درعین‌حال به رابطه ساختارها با کنش‌ها هم واقف بود.

بنابراین علاوه بر توجه به بعد عینی و ساختاری، بعد ذهنی حیات اجتماعی هم موردتوجه قرار می‌داد. او در این افکار کسانی چون وبر، هوسرل، ساتر و بودن را در ارتباط با استقلال سوژه کنشگر موردانتقاد قرار می‌داد و معتقد بود که بعد ذهنی حیات اجتماعی هم باید در ارتباط با بعد عینی موردتوجه قرار گیرد. او در این زمینه مفهوم عادت واره را مطرح نمود. بوردیو میدان و عادت واره را دارای ارتباط متقابل می‌دید و کنش اجتماعی را محصول برایند و ترکیب مجموعه عوامل عینی و ذهنی (میدان و عادت واره) می‌دانست؛ بنابراین می‌توان گفت که بوردیو با ارجاع به آثار اندیشمندان کلاسیک و معاصر توانست با دیدی انتقادی به ارزیابی نقاط ضعف و قوت آن‌ها بپردازد و با کسب بصیرت لازم به دیدگاهی جامع‌تر دست یابد و با بهره‌گیری از آن به تولید و ترویج دانش اجتماعی همت ورزد.

۴. آثار

بوردیو بالغ بر یک‌صد اثر اعم از مقاله و کتاب از خود به‌جای گذاشته است. عناوین برخی از آثار بوردیو به شرح زیرند:

ردیف	سال انتشار	عنوان	نوع اثر		ترجمه‌شده به فارسی با عنوان	سال انتشار
۱	۱۹۶۲	الجزایری‌ها				

۲ ۳	۱۹۶۴ ۱۹۶۸	نظام‌های آموزش‌وپرورش و نظام‌های فکری طرح نظریه هنر				
۴	۱۹۷۳	سه شکل (گونه) از دانش نظری				
۵	۱۹۷۹	قدرت نمادین				
۶	۱۹۸۱	انسان‌ها و ماشین‌ها				
۷	۱۹۸۴	تمایز		تمایز _ نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی		۱۳۹۱
۸	۱۹۸۶	اشکال سرمایه				
۹	۱۹۸۸	جامعه‌شناسی ورزش				
۱۰	۱۹۸۸	انسان دانشگاهی (آکادمیک)				
۱۱	۱۹۸۹	به‌سوی یک جامعه‌شناسی بازاندیشانه				
۱۲	۱۹۹۰	منطق کردار (عمل)				
۱۳	۱۹۹۳	اشرافیت دولتی				
۱۴	۱۹۹۸	درباره تلویزیون				
۱۵	۱۹۹۸	خرد عملی – درباره‌ی نظریه کنش		نظریه کنش – دلایل عملی و انتخاب عقلانی		۱۳۸۲

۱۶	۱۹۹۸	دلیل (عقل) عملی				
۱۷	۱۹۹۹	عمل مقاومت				
۱۸	۱۹۹۹	سنگینی (سیه‌روزی) جهان				
۱۹	۱۹۹۹	سلطه‌ی مردانه				
۲۰	۲۰۰۰	تأملات پاسکالی				

بوردیو، پی یر (۱۳۸۲) نظریه کنش، ترجمه مرتضی مردی‌ها، تهران: نقش و نگار، چاپ دوم

ویژگی‌های بینشی

۱. هستی‌شناسی

بوردیو در بعد هستی‌شناسی جامعه را فضایی اجتماعی مرکب از مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از میدان‌ها (ساختارها) و افراد دارای عادت‌واره‌های مرتبط با میدان‌ها می‌داند که به‌عنوان کنشگر در قالب قواعد حاکم بر میدان‌های اجتماعی و طبق عادت‌واره‌های خود در جهت دستیابی به انواع سرمایه‌ها باهم در تعامل و رقابت قرار دارند. کنشگران با تعاملات و کنش‌های خود در تثبیت یا تغییر فضای اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند؛ بنابراین فرد موجودی مختار و درعین‌حال مجبور است. فرد در فضای و در قالب میدان اجتماعی به کسب عادت واره نائل می‌آید و تحت تأثر شرایط ساختاری و ویژگی‌های فردی اعم از روانی یا ذهنی، شخصیتی عمل می‌کند. عمل او برآیند ویژگی‌های محیطی و فردی اوست.

بوردیو با بینشی تلفیقی و انتقادی بسیاری از امور و مسایل موردعلاقه خود نظیر معرفت، علم، آموزش‌وپرورش، هنر و به‌ویژه کردار یا عمل اجتماعی را در ارتباط با ابعاد عینی و ذهنی حیات اجتماعی یعنی میدان‌ها و عادت واره ها در سطوح کلان، میانی و خرد مورد تحلیل قرار داده است.

همان‌طوری که اشاره شد از دیدگاه بوردیو جامعه فضای اجتماعی مرکب از مجموعه‌ی به هم‌پیوسته از میدان‌ها و افرادی است که در تاروپود این میدان‌ها واقع‌شده‌اند و به‌صورت فردی و جمعی برای دستیابی به سرمایه‌های موجود در میدان‌ها با یکدیگر در تعامل و رقابت قرار می‌گیرند و از طریق همین تعامل هست که می‌توانند این فضا را تغییر داده یا بازتولید کنند. میدان اجتماعی محل تعامل عاملان اجتماعی است و ساختار اجتماعی، تاریخ تجسد یافته در اشیاء است، بوردیو طبقه‌ی اجتماعی را شامل افرادی می‌داند که ازنظر انواع سرمایه‌ها، ذائقه و سبک زندگی در موقعیتی مشابه قرار دارند. سرمایه ازنظر او قابلتی است که فرد در تعامل با دیگران از آن بهره‌مند می‌شود، عادت واره ازنظر بوردیو بعد نمادین حیات اجتماعی است و می‌توان آن را روایت‌های تجسد یافته در کالبدها نامید. بوردیو اولویت ارزشی را ذائقه می‌نامد و سبک زندگی را بجای الگوی مصرف به کار می‌گیرد. کردار اجتماعی یا پراکسیس هم جریانی است که از طریق آن کنش صورت گرفته و فعلیت میابد.

بوردیو ذائقه را با عادت واره در ارتباط قرار می‌دهد و معتقد است که شکل دادن ذائقه‌ها، گرایش‌ها اهمیت زیادی دارد که این گرایش‌ها خود مبتنی بر عادت واره ها هستند. ازنظر بوردیو ترجیحات افراد در مورد جنبه‌های مادی زندگی و مسائلی چون خوراک و پوشاک بر مبنای عادت واره های آن‌ها انجام می‌شود با این تمایلات وحدت ناآگاهانه یک طبقه را قوام می‌بخشد. بوردیو تلاش کرده است در جای‌جای این فضای اجتماعی جای پای قدرت به‌ویژه قدرت نمادین را نشان دهد.

۲. روش‌شناسی

بوردیو به‌تبع بینش تلفیقی خود از روش‌های چندگانه کمی و کیفی، علت کاوانه و معنا کاوانه استفاده کرده است؛ بنابراین می‌توان در مورد او از پلورالیسم روشی سخن گفت. درواقع واحد مشاهده‌ی او هم فرد است و هم جمع

و سطح تحلیل او هم خرد است و هم کلان. ازنظر بوردیو جامعه‌شناسی امری تجربی است که ترکیبی پویا از عمل و نظر و تجربه و تعقل است. روش‌شناسی بوردیو دارای ویژگی‌های خاصی است، نخست اینکه او معتقد است باید از بینش و روش که با موضوع مطالعه سازگاری بیشتری داشته باشد بهره برد. از سوی دیگر باید نتایجی را که باواسطه‌ی به‌کارگیری روش‌های گوناگون به‌دست‌آمده است با یکدیگر مقایسه نمود تا درنهایت به درک درست و منطقی از آن دست‌یافت. به‌عنوان‌مثال او در اشرافیت دولتی نتایجی را که از مطالعات پیمایشی به‌دست‌آمده بود با نتایج حاصل از گزارش‌های آرشیوی و تحلیل اسنادی و حتی مصاحبه‌های میدانی در کنار یکدیگر قرارداد تا تصویر روشنی از واقعیت به دست دهد، دیگر اینکه بوردیو معتقد است محقق اجتماعی باید پس از دستیابی به نتیجه‌ی خاص به گذشته بازگردد و دوباره به روندی که از طریق آن به این نتیجه رسیده است به‌دقت بنگرد تا خطاهای احتمالی را به حداقل برساند. او معتقد است ویژگی‌هایی چون جنسیت، طبقه، ملیت، قومیت، زبان، نژاد، دین و مانند آن مارا در دام سوگیری‌ها می‌اندازد و قضاوت‌های ارزشی فضای حاکم بر تحقیقات علمی را به‌شدت مخدوش می‌سازد. بوردیو معتقد بود اگر جامعه‌شناسی برخورد مکتب گرایانه منتزع از واقعیت داشته باشد دچار نوع پیش‌داوری خواهد شد و نتایجی که به دست می‌آورد با واقعیت‌های موجود فاصله پیدا خواهد کرد.

۳. معرفت‌شناسی

بوردیو جامعه‌شناسی را دانش نظری و عملی می‌داند که دارای جنبه‌های اثباتی و تفسیری است. او وظیفه جامعه‌شناسی را طرح و تحلیل مسائل و ارائه راه‌حل در جهت کمک به حل مشکلات اجتماعی به‌ویژه جلوگیر از اعمال سلطه می‌داند.

از دیدگاه بوردیو جامعه‌شناسی دارای خصلتی تکوینی است که عادت واره و میدان در آن نقش کلیدی دارد. در واقع عادت واره هم تولیدکننده و هم

تولیدشده جهان اجتماعی است. این ویژگی بوردیو، یعنی گریز از جبرگرایی او را از ساختارگرایی متمایز می‌سازد. بوردیو معتقد است انسان‌ها برای گنش دارای منطق خاصی هستند و همین منطق کنش انسانی است که انسان‌ها را به جهان اجتماعی پیرامون خود مرتبط می‌سازد. افراد از طریق عادت واره های خود به درک جهان اجتماعی نائل می‌شوند و آن را می‌فهمند و ارزش‌گذاری می‌کنند. ساختمان ذهنی حاصل اشغال یک جایگاه ویژه در جهان اجتماعی است؛ و می‌توان گفت اگر این جایگاه تغییر کند، ساختمان ذهنی نیز متحول خواهد شد؛ بنابراین افراد در درون جهان اجتماعی ساختار ذهنی متفاوتی دارند اما افراد که از موقعیت‌ها و جایگاه‌های مشابهی برخوردارند ازنظر افکار و اندیشه نیز دارای مشابهت‌هایی با یکدیگر می‌باشند.

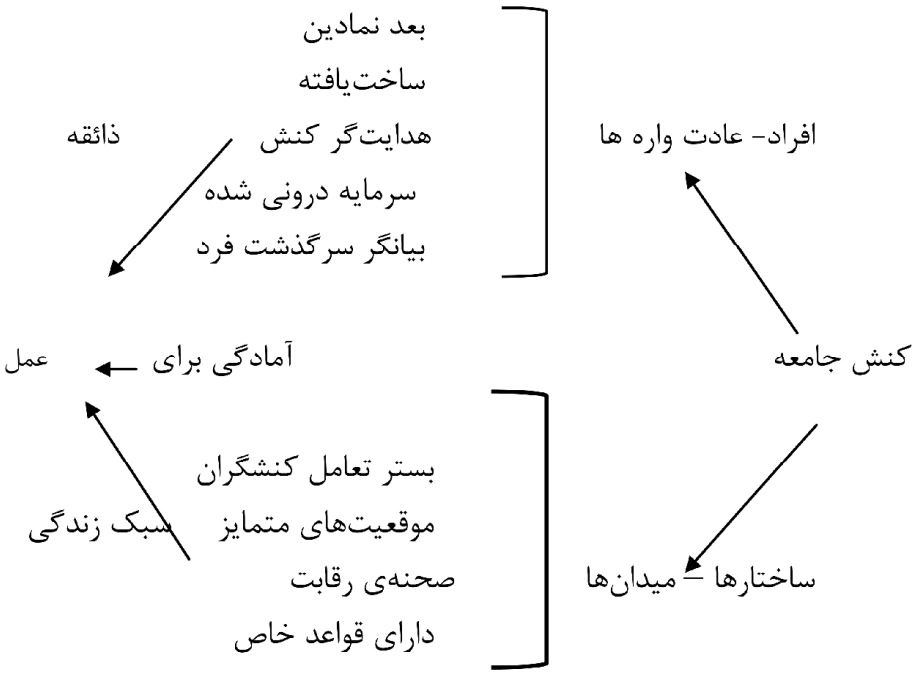
هنگامی‌که موقعیت یک فرد تغییر کند ساختمان ذهنی او نیز باید متحول شود اما اگر این تحول صورت نگیرد، فرد در جایگاه جدید خود دچار اضطراب و تنش می‌شود زیرا نمی‌تواند خود را با شرایط جدید منطبق سازد، از دیدگاه بوردیو میدان‌ها دارای قواعد خاصی هستند و عادت واره هر فردی به او کمک می‌کند تا خود را با قواعد هر میدان هماهنگ سازد اما اگر این اتفاق نیفتد فرد مانند وصله ناجور در میان جمع است. بوردیو را نمی‌توان بر مبنای تأکیدش بر تنوع میدان‌ها و عادت واره ها و قواعد خاص آن‌ها پساساختارگرا یا پسامدرن دانست، او بر اساس یافته‌های علمی خود دریافته بود اگر ما بخواهیم از سطوح خاص به سطح عام حرکت کنیم و به اصل و قواعد عام‌تر دست‌یابیم باید میدان‌ها را به یکدیگر نزدیک کنیم تا عادت واره ها و سپس ذائقه و سبک زندگی افراد نیز نوعی قرابت با یکدیگر پیدا کند.

بوردیو مناسب با خصلت تکوینی جامعه برای جامعه‌شناسی هم خصلتی پویا و بازاندیشانه قائل است. او برای تحقق این منظور سعی نمود با پرهیز از دوگانه انگاری‌های ساخت‌گرایی در برابر فردگرایی یا عینی در برابر ذهنی یا کمی

در برابر کیفی با بینش و روشی تلفیقی به مطالعه پدیده‌های اجتماعی بپردازد. تا بتواند ابعاد و جنبه‌های متفاوت پدیده را توصیف نماید و در تبیین آن نیز عوامل عینی و ذهنی را موردتوجه قرار دهد. چنین دانشی می‌تواند از اعتبار علمی و ارزش علمی قابل‌توجهی برخوردار باشد و به پرسش‌های علمی پاسخ دهد و به حل مسائل اجتماعی نیز کمک نماید.

۴.نظریه‌های

بوردیو درباره موضوع‌های موردتوجه خود ازجمله قدرت، معرفت، آموزش‌وپرورش و... نظریه‌های ارائه کرده که شاخص‌ترین آن‌ها نظریه عام کنش اجتماعی است. او با نقد دیدگاه‌های تقلیل گرایانه ساختار محور یا سوژه محور در تحلیل کنش، سعی بر آن دارد تا کنش اجتماعی را در قالب دیدگاهی جامع‌تر به‌عنوان محصول و برآیند مجموعه شرایط عینی و ذهنی به شکل زیر مورد تحلیل قرار دهد.



(مایکل گرنفل، ۱۳۸۸- ۱۹)

همان‌طوری که ملاحظه می‌شود، بوردیو عاملان را تحت تأثیر ساختارها و ساختارها را نیز تحت تأثیر عاملان می‌داند، کنش‌ها که برآیند شرایط و عوامل به‌هم‌پیوسته عینی و ذهنی است به‌نوبه خود در تثبیت یا تغییر شرایط عینی و ذهنی مؤثر واقع می‌شود. به همین جهت است که بوردیو نظریه خود را ساختارگرایی تکوینی می‌نامد.

بوردیو اعتقاد دارد بخشی از کنش‌ها را می‌توان پیش‌بینی کرد زیرا عوامل ایجادکننده و تأثیرگذار بر آن برای ما روش است؛ مثلاً می‌توان پیش‌بینی نمود که در یک میدان خاص فرد با عادت واره خاص چه نوع واکنشی خواهد داشت اما بخشی از کنش‌ها قابل پیش‌بینی نیستند زیرا عوامل تأثیرگذار بر آن‌ها نیز برای ما روشن نمی‌باشند؛ بنابراین عمل ما صرفاً محصول آگاهی ما نیست بلکه می‌توان گفت عمل یا پراکسیس محل تلاقی مجموعه به‌هم‌پیوسته‌ای از شرایط و عوامل آشکار و پنهان است و پیامدهای عمل نیز خود می‌تواند حالتی تغییردهنده یا بازتولید کننده داشته باشد. در فرایند کنش‌ها این عادت واره ها و میدان‌ها هستند که در تعامل با یکدیگر قرار می‌گیرند، به‌گونه‌ای که میدان بر روی کنش اثر می‌گذارد و کنش نیز مجدداً بر میدان مؤثر واقع می‌شود؛ بنابراین رابطه دیالکتیکی بین آن‌ها وجود دارد که بوردیو آن را ساختارگرایی سازه‌ای می‌نامد.

مفاهیم اساسی بوردیو

بوردیو در آثار و بیان افکارش علاوه بر استفاده از اصطلاحات علوم اجتماعی رایج در زمان خود نظیر ساختار اجتماعی، عاملیت، کردار اجتماعی، قدرت، سبک زندگی و... اصطلاحات خاص خود را چون فضای اجتماعی، میدان اجتماعی، عادت واره، سرمایه اجتماعی و... ابداع نموده که در این بخش خلاصه این مفاهیم ابداع‌شده را به تبین و تحلیل می‌گیرد.

۱. عادت واره

عادت واره، منش یا هـابیتوس مفهـومی رمزآلـود اسـت. ایـن مفهـوم در رویکرد جامعه شناسانه بوردیو در نظریه میدان و فلسفه کنش نقش اساسی دارد؛ اما بوردیو از این واژه تعبیر جدیدی ارائه می‌دهد و آن را مجموعه‌ای از قابلیت‌هـا تعریف می‌کند که فرد در طول حیات خود آن‌ها را درونی کرده و در حقیقت بدل به طبیعتی ثانویه برای خویش می‌کند، به‌گونه‌ای که فرد بدون آنکـه لزومـاً آگـاه باشد بـر اسـاس آن‌هـا عمـل مـی‌کنـد. مـنش ترکیبـی پیچیـده از ابژکتیویتـه و سوبژکتیویته اجتماعی برای ساختن شخصیت افراد نیز هست که هر شخصی را از دیگری متفاوت می‌کند. بوردیو می‌گوید همه تفکر مـن از ایـن نقطـه آغـاز شـد: چگونه رفتار می‌تواند بدون آنکه محصول تبعیت از قوانین باشد حالتی قاعده‌منـد پیدا کند. او عادت واره را از حیث شکل به‌صورت سرمایه عاملان اجتماعی معرفی می‌کند؛ که ساختار ساخته‌شده و سازنده را شامل می‌شود. به نظر بوردیو کنش‌ها محصول رابطه ناخودآگاه و یا دو پهلوی عادت واره و میدان هستند.

۲. میدان

بوردیو معتقد است برای درک تعامل بین مردم، علاوه بر چیز اتفاق افتاده باید به فضای اجتماعی کـه تعـاملات و اتفاقـات در آن رخ‌داده را بررسـی کنـیم. بوردیو زندگی اجتماعی را نوعی بازی می‌داند، میدان اجتماعی را بـه‌خـودی‌خـود بی‌معنا فرض می‌کند. میدان، سرمایه و عادت واره را رأس‌های مثلث می‌دانـد کـه برای درک جهان اجتماعی لازم و ملزوم یکدیگرند. بازی حـالتی رقـابتی دارد کـه عاملان تدابیر لازم را برای بهبود جایگاه خـود بکـار مـی‌گیرنـد. میـدان درنظریـهٔ بوردیو پهنهٔ اجتماعی کمابیش محدودی است که در آن تعداد زیادی از بـازیگران یا کنشگران اجتماعی با منش‌ها یا عـادت واره‌هـای تعریـف‌شـده و توانـایی‌هـایی سرمایه‌ای وارد عمل می‌شوند و به رقابت، همگرایی یا مبارزه با یکدیگر می‌پردازند تا بتوانند به حداکثر امتیازات ممکن دست یابند. جامعه درواقع از تعداد بی‌شماری میدان تشکیل‌شده است: میدان دانشگاهی، میدان هنری، میدان قدرت. میدان نه

به‌عنوان نظریه‌ای کلان، بلکه به‌عنوان ابزاری برای تبدیل مشکلات عملی به عمل عینی و تجربی به کار می‌آید. بوردیو روش‌های مرسوم تحلیل در علوم اجتماعی را کنار گذاشته و در مقابل برای فرهنگ و شیوه زندگی اهمیت زیادی قائل می‌شود.

۳. سرمایه

بوردیو معتقد است که انسان‌ها در خلا زندگی نمی‌کنند بلکه هر فردی در یک سری از «میدان‌ها» زندگی می‌کند، مفهوم «میدان» شبیه به مفهوم «طبقه» در مارکسیسم است. این میدان‌ها از یک سری عناصر تشکیل‌شده است که عبارت است از: «سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین»، به‌عبارت‌دیگر «میدان مانند نوعی بازار رقابتی است که در آن، انواع سرمایه‌ها (اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و نمادین) به کار می‌رود و مایه گذاشته می‌شود» (ریتزر،۱۳۷۴- ۷۲۴)؛ بنابراین بوردیو معمولاً از چهار نوع سرمایه سخن می‌گوید.

۳-۱. سرمایه اقتصادی

اصطلاح سرمایه در ادبیات اقتصادی طی دو قرن اخیر متداول گردیده و حال‌آنکه ابتدا به‌صورت سرمایه فیزیکی به کار می‌رفت. مقصود از سرمایه فیزیکی، هم عمدتاً ماشین‌آلات و ساختمان است. درواقع از ابتدای پیدایش اقتصاد مدرن در دنیای صنعتی غرب تا دهه ۱۹۶۰ مقصود از واژه سرمایه، سرمایه فیزیکی بود (میرجلیلی،۱۳۸۶- ۴۳).

۳-۲. سرمایه اجتماعی

بوردیو بر این باور است که سرمایه اجتماعی، مجموعه‌ای از تماس‌ها، رابطه‌ها، آشنایی‌ها، دوستی‌ها، دین (مطالبات یا دیون نمادین) هستند که به عامل «وزن» اجتماعی کم یا بیش سنگین، قدرت کنشی و واکنشی کم یا بیش زیاد برحسب کیفیت و کمیت شبکه‌های ارتباطی، پیوندهایی که وی را به افراد دیگر وصل می‌کند می‌بخشد. وضعیت این افراد ازنظر سرمایه، به صورت‌های مختلف

آن، شباهت کامل یا نزدیک با وضعیت عامل دارد (شویره و فونتن،۱۳۸۵-۹۸-۹۹).

۳-۳. سرمایه نمادین

مجموعه آداب وابسته به‌افتخار یا حق‌شناسی است که به یک فرد یا گروه تعلق می‌گیرد. «سرمایه نمادین از شأن و حیثیت شخص سرچشمه می‌گیرد» (ریتزر،۱۳۸۴-۷۲۵)؛ به‌عبارت‌دیگر سرمایه نمادین به دلیل موقعیت‌های کاریزماتیک و یا با تکیه بر نمادها و قدرت‌های پیش‌زمینه‌ای برای نمونه نهادها، سازمان‌ها، دین، نژاد و... برای فرد ایجاد می‌شود. به‌بیان‌دیگر سرمایه نمادین، یعنی مجموعه ابزارهای نمادین، پرستیژ، حیثیت، احترام و قابلیت‌های فردی در رفتارها (کلام و کالبد) که فرد در اختیار دارد. سرمایه نمادین جزئی از سرمایه فرهنگی است و به معنای توانایی مشروعیت دادن، تعریف کردن و ارزش گذاردن است (فکوهی، ۱۳۸۲-۳۰۰).

۳-۴. سرمایه فرهنگی

بوردیو اصطلاح سرمایه فرهنگی را برای اشاره به اطلاعات یا دانش دربارهٔ باورها و سنت‌های فرهنگی و معیارهای رفتاری خاصی که موفقیت و کامیابی در زندگی را ارتقاء می‌دهند، به کار می‌برد. سرمایه فرهنگی، یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و آن دربرگیرنده تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند (فکوهی، ۱۳۸۲-۳۰۰). پرورش خانوادگی، آموزش رسمی و فرهنگ شغلی سه منبع سرمایه فرهنگی‌اند. انباشت سرمایه فرهنگی از طریق این سه منبع در افراد باعث تفاوت بین دارندگان و فاقدان این سرمایه می‌شود (خادمیان،۱۳۸۸-۱۰۲). «سرمایه فرهنگی در خانواده، با صَرفِ منابع اقتصادی برای موارد مشخص و ارزشمند فرهنگی همانند کتاب، بلیت تئاتر یا موزه‌ها و دیگر صنایع فرهنگی ویژه از والدین به فرزندان منتقل می‌شود (شافر و دانیل،۱۳۸۷- ۵۴). در تحقیقی که بوردیو در

سال ۱۹۶۶ دربارهٔ بازدیدکنندگان موزه‌های اروپا انجام داده می‌نویسد: علاقهٔ به هنر و کیفیت دل‌بستگی به آثار هنری ارتباط نزدیکی با موفقیت و امکانات خانوادگی و طبقاتی افراد دارد. وقتی یک کارگر نمایشگاه نقاشی را تماشا می‌کند، غالباً نیاز به یک راهنما دارد که برای او تابلوها و سبک‌ها و ریزه‌کاری‌ها را توضیح دهد ولی یک تحصیل‌کرده نیازی به راهنما ندارد (روح‌الامینی،۱۳۸۴- ۱۱۶). بوردیو در کتاب «تمایز» که اینک به‌عنوان یکی از مهم‌ترین متون مطالعات فرهنگی دهه‌های اخیر شناخته می‌شود. این ایده‌های فلسفی را موردحمله قرار می‌دهد که داوری‌های زیباشناختی می‌تواند بر اساس ملاک‌های جهان‌شمول و عینی درباره اینکه سلیقه خوب و بد چیست انجام گیرد. او برعکس نشان داده که سلیقه را جامعه تعیین می‌کند. پژوهش مبتنی بر نظرسنجی وی ثابت کرده که طبقات و گروه‌های شغلی خاصی در جامعه فرانسه (از قبیل کارگران، دانشگاهیان، تکنسین‌ها) گرایش به داشتن سلایق متمایزی در موسیقی، هنر، غذا و غیره دارند. این گفته، مؤید نظر وی است دایر بر این‌که سرمایه فرهنگی که سلیقه تنها یکی از شاخص‌های آن است به‌وسیله محل اجتماعی شکل‌گرفته است (اسمیت،۲۲۱-۱۳۸۷). به‌بیان‌دیگر یعنی کسی که به‌واسطه سرمایه فرهنگی منزلت دارد می‌تواند روایت، تفسیر و برداشت خود را از اجتماع بر دیگران تحمیل کند.

به نظر بوردیو سرمایه فرهنگی به سه شکل وجود دارد:

۳-۴-۱. سرمایه فرهنگی ذهنی و درونی (غیرمادی):

این سرمایه در زبان فارسی به «سرمایه بدنی و فردی»، «حالت تجسّد»، «تجسم‌یافته یا مجسّم» و «متجسّد» نیز ترجمه‌شده است. سرمایه فرهنگی ذهنی و درونی به معلومات کسب‌شده‌ای اشاره دارد که «به شکل رغبت‌های پایدار ارگانیسم حالت درونی شده به خود می‌گیرند» (در فلان و بهمان زمینهٔ دانش دست داشتن، به زبان و نحو بیان تسلط داشتن، جهان اجتماعی و رمزگان آن را

شناختن و خود را در این جهان آشنا دید ...) (شُویره و فونتن،۱۳۸۵-۹۷) که براثر مطالعه (کتاب خواندن، تمرین و آموزش عملی) انباشته می‌شود. این سرمایه جز از راه آموزش مستقیم (در سطح محدود) قابل‌واگذاری به دیگری نیست، با شخص حامل آن از میان می‌رود و ناشی از فرهنگی است که در درون انسان متمرکز می‌شود (محسنی،۱۳۸۸- ۹۹)؛ به‌عبارت‌دیگر، این سرمایه با کوشش، تجربه و استعداد فرد حاصل‌شده و با دارنده آن از بین می‌رود و نمی‌توان آن را به دیگری واگذار کرد، مانند حافظه، مهارت‌های تجربی و رفتاری (روح‌الامینی،۱۳۸۴-۱۱۷). این سرمایه در دیدگاه بوردیو جایگاه خاصی دارد، این همان سرمایه‌ای است که عادت واره فرد را می‌سازد و بوردیو به سرمایه فرهنگی خاص اشاره می‌کند که در جسم فرد وجود دارد و عملکرد خود را تحت عنوان ذائقه نشان می‌دهد. درواقع ذائقه به ترجیحات ما برمی‌گردد. چیزی که بوردیو به ما می‌گوید این است که ذائقه ما واقعاً شخصی نیست بلکه به صورتی عمیق توسط طبقه اجتماعی که در آن زندگی می‌کنیم تحت تأثیر قرار می‌گیرد؛ یعنی ذائقه ما همان سرمایه فرهنگی است که در درون بدن ما جای گرفته است و در این میان آن ذائقه ویژه‌ای را به نمایش می‌گذاریم و به آن مشروعیت می‌بخشیم که طبقه ما بر آن مهر تأیید می‌زند (گرنفل،۱۳۸۹-۳۳۶) اما خاستگاه و محل شکل‌گیری این سرمایه در خانواده و مدرسه است؛ بنابراین برای هرگونه سرمایه‌گذاری فرهنگی می‌باید در این بخش کوشش نمود زیرا بخشی از ثروت و ذخیره کشور محسوب می‌شود و همچنین زیربنای سرمایه‌های دیگر در این بخش رقم می‌خورد.

۳-۴-۲. سرمایه فرهنگی عینی و برونی (مادی)

شکل دیگری از سرمایه فرهنگی مطروحه توسط بوردیو است. احراز این بخش از سرمایه فرهنگی درگرو وجود و حضور سرمایه فردی است که معنا می‌یابد (تاج‌بخش،۱۴۳-۱۳۸۲)؛ که مجموعه‌ای از «کالاهای فرهنگی» است،

مانند آثار ادبی، آثار هنری، ماشین‌ها، گزارش‌های علمی، کتاب‌ها، تصاویر، کامپیوتر و. این سرمایه قابل‌انتقال است (خرید، فروش، آموزش و.) اما خصلت اساسی آن در این است که دارای اثر آموزشی بر دارندگان آن است (محسنی،۱۳۸۸-۹۹). به‌بیان‌دیگر «سرمایه عینی فرهنگی» یا «عینیت‌یافته» عبارت است از: «مجموعه میراث‌های فرهنگی مانند شاهکارهای هنری، تکنولوژی ماشینی و قوانین علمی که به‌صورت کتب، اسناد و اشیاء در تملّک اختصاصی افراد و خانواده‌هاست. این سرمایه، قابل‌انتقال به دیگران است این مالکیت انحصاری، به علت مجاورت و سهولت دسترسی و امکانات جانبی، تأثیر تربیتی و آموزشی بر روی مالکین آن سرمایه دارد (روح‌الامینی،۱۳۸۴- ۱۱۷). محل شکل‌گیری و خاستگاه این بخش در اجتماع و در بین گروه است چراکه هیچ هنرمندی بدون حضور و توجه تماشاگر به ارائه هنر نمی‌پردازد. به‌بیان‌دیگر ذائقه و سلیقه (سرمایه فردی) تماشاگر، هنرمند را جهت تولید هنر ترغیب می‌نماید. ولی به‌درستی منشأ این سلایق از کجا است؟ در طبقات کارگری به گفته بوردیو این سلایق برگرفته از نیازهای زیباشناسی افراد رقم می‌خورد، ولی در طبقات والا و نخبگان این سلایق با استناد به آموزه‌های خانوادگی، علمی و دانشگاهی شکل می‌پذیرد و معمولاً توسط این طبقات تولید هنر، تولید فکر، تولید شاخص‌ها و معیارها، بازتولید سلایق و بازتولید ارزش‌ها نیز صورت می‌گیرد آنچه خود پیش‌زمینه ایجاد سرمایه‌های اجتماعی را برای دستیابی همین گروه به منافع فردی و یا گروهی در آینده مهیا می‌سازد.

۳-۴-۳. سرمایه فرهنگی نهادی و سازمان‌یافته

سرمایه فرهنگی می‌تواند به حالت «نهادینه‌شده» در جامعه به‌صورت عناوین، مدارک تحصیلی، موفقیت در مسابقات ورودی و غیره که به استعداد فرد عینیت می‌بخشد؛ جامعه (بیش‌تر اوقات دولت) که این بازشناسی را اعلام می‌دارد، آن را نهادینه می‌کند (معلم، استاد، قاضی،...) (شُویره و فونتن،۱۳۸۵- ۹۷)

به‌بیان‌دیگر سرمایه فرهنگی «نهادینه‌شده» به مدارک تحصیلی یا مدارک مهارتی مربوط می‌شود که نشان‌دهنده میزان اطلاعات یا مهارت فرد در یک زمینه است (گرنفل،۱۳۸۹-۳۳۶) که از طریق مدارک رسمی و یا تحصیلی توجیه می‌شود؛ مانند دیپلم دبیرستان و یا امتیاز کشف و اختراع (محسنی،۹۹-۱۳۸۸)؛ بنابراین «این سرمایه فرهنگی به کمک ضوابط اجتماعی و به دست آوردن عناوین، برای افراد کسب موقعیت می‌کند» البته «قابل‌واگذاری و انتقال نیست و به دست آوردن آن برای افراد به شرایط معین بستگی دارد». بوردیو می‌افزاید که سرمایه اقتصادی می‌تواند برای صاحب خود سرمایه فرهنگی و اجتماعی ایجاد کند و سرمایه فرهنگی نیز با کارکرد خود سرمایه اقتصادی را به وجود بیاورد» (روح الامینی،۱۱۸-۱۳۸۴).

پس می‌توان گفت: آنچه در باب سرمایه فرهنگی مهم تلقّی می‌شود این است که روشنفکران به دلیل دسترسی به سرمایه فرهنگی جزء طبقهٔ مسلط محسوب شده و به دنبال نفع شخصی‌اند، به همین دلیل بوردیو اعتقاد دارد که کنش‌های فرهنگی‌ای که به‌ظاهر بی‌طرفانه‌ترین، کنش‌ها هستند در اصل واجد سویه‌های مادی‌اند. پس این نوع از سرمایه هم به‌مانند سرمایه مادی نباید در منبع خاصی تمرکز یابد و می‌بایست در انواع گوناگون خاستگاه‌هایش پراکنده باشد، زیرا تمرکز این سرمایه در منبعی خاص، به انحصاری شدن آن در دست سرمایه‌داران فرهنگی منجر می‌شود. از این طریق، آن‌ها برای تحکیم سرمایه فرهنگی خود و گسترش نفوذ علمی خود علیه خلاقیت در سرمایه فرهنگی مبارزه می‌کند.

مقصود بوردیو از بسط مفهوم سرمایه استفاده از آن در نظام مبادله گسترده‌ای است که در آن انواع گوناگون سرمایه‌ها در شبکه‌های پیچیده‌ای منتقل‌شده یا در درون و بین میدان‌های گوناگون گردش می‌کنند. او تلاش می‌کند نمونه محدود مبادله تجاری را از اقتصاد به فضای وسیع‌تر مردم‌شناسی

مبادله و ارزش‌های فرهنگی بسط دهد که اقتصاد تنها یکی از انواع آن است و در کنار آن ما لااقل سه نوع دیگر از سرمایه را نیز داریم: سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و سرمایه نمادین بدین ترتیب هر فرد و هر مجموعه‌ای از افراد در جامعه دارای سرمایه‌ای کلی می‌شوند که خود ترکیبی است از سرمایه‌های نامبرده.

۴. ناسازی (تغییر)

در تلقی بوردیو از عادت واره و میدان تغییر پیامد منطقی این ارتباط است. تغییر دریکی ضرورتاً به تغییر در دیگری می‌انجامد. در شرایط ثبات فردی تغییر به‌آرامی رخ می‌دهد و در شرایط دیگر عادت واره باید به تغییرات بنیادی و گاه فاجعه‌بار میدان پاسخ دهد. ناسازی آن‌گونه که بوردیو در نوشته‌های نظری خود به کار می‌گیرد، همین خط سیر را پی می‌گیرد و ناظر بر گسست و شکاف در رابطه متقابل عادت واره و ساختار میدان است که دیگر باهم تناظر و تطابق ندارند. این واژه مفهومی است که بوردیو آن را برای توصیف اثرات تغییر در ساختار هر میدان خاص به کار می‌گیرد که دست‌کم برای مدت کوتاهی در تلاش خود را برای تطابق فرد با جامعه ناکام مانده است.

۵. تمایز

مفهوم تمایز به معنی مجموعه تفاوت‌هایی است که رفتارها و سبک‌های زندگی افراد جامعه به دلیل موقعیت‌های متفاوتشان ازلحاظ سرمایه و قرار گرفتن شان در میدان‌های اجتماعی گوناگون میان آن‌ها ظاهر می‌شود. به باور بوردیو همه آنچه سلیقه فرهنگی، انتخاب‌های هنری و ... نامیده می‌شود و ممکن است کاملاً طبیعی» و ناشی از قریحه‌های ذاتی افراد شمرده شود، رابطه مستقیم و قابل‌اثباتی با وضعیت و موقعیت اجتماعی آن‌ها دارد. این موضوع را وی در کتاب معروف خود تمایز (۱۹۷۹) که حاصل یک تحقیق میدانی گسترده است نشان می‌دهد و ثابت می‌کند که چگونه می‌توان میان حوزه‌هایی چون ورزش، غذا، لباس، سلایق هنری، موسیقی، عکاسی، ادبیات از یک‌سو و وضعیت اجتماعی افراد

از سوی دیگر روابط منطقی ایجاد کرد.

۶. خشونت نمادین

طبق نظریه بوردیو سلسله‌مراتب یا اشکال گوناگون نابرابری‌های اجتماعی در جامعه امروز که موجبات رنج و محنت انسان‌ها را فراهم می‌آورند بیش از آنکه ناشی از مناسبات مربوط به اعمال قدرت باشند از اشکال و مناسبات نمادین سلطه نشأت می‌گیرند. او به حاصل این نوع سلطه، یعنی خشونت نمادین اشاره می‌کند. درواقع مضمون خشونت نمادین نتیجه پیامد فهم بوردیو از زبان است. بوردیو زبان را ابزار قدرت و کنش می‌داند. در دیدگاه بوردیو این مفهوم با مفهوم سرمایه نمادین پیوند کاملی دارد. در واقع خشونت یا قدرت نمادین صرفاً یک پتانسیل و امکان اعمال قدرت یا خشونت است؛ اما همین امکان سبب می‌شود که افراد به‌شدت رفتارهای خود را کنترل کرده و خود را با منشأ بروز آن خشونت هماهنگ کنند. خشونت نمادین عمدتاً از طریق درونی کردن نظام سلطه انجام می‌گیرد که در آن‌کسی که اعمال سلطه می‌کند و کسی که زیر سلطه قرار دارد هر دو ممکن است به صورتی ناخودآگاه نظام سلطه را چنان درونی کنند که به‌صورت خودکار در حرکات روزمره، در انتخاب‌ها و در تمام ابعاد زندگی‌شان آن را دائماً تولید و بازتولید نمایند. مهم‌ترین تفاوت خشونت نمادین با خشونت صرف در تعریف وبری آن از موقعیتش در دولت در آن است که این خشونت لزوماً به عمل تبدیل نشده و عامل اجرای آن نه صرفاً کنشگران حاکم بلکه همچنین کنشگران زیر حاکمیت هستند.

نقد افکار و نظریه‌های بوردیو

۱. نقاط ضعف

. تمایل بیشتر به ساختار نسبت به عاملیت علی‌رغم پذیرش تلفیق آن‌ها
. طرح برخی از مفاهیم کلی و انتزاعی و عدم تصریح و تدقیق آن‌ها
. کم توجهی به مطالعات تطبیقی و عدم استفاده لازم از آن‌ها

. کم توجهی به عامل جهانی و توجه بیش‌ازحد به جامعه فرانسه
. تنوع بیش‌ازحد مباحث و موضوعات مطرح‌شده و عدم تصریح به آن‌ها
. عدم توجه به ابعاد منفی سرمایه اجتماعی
. بی‌توجهی به تکثر منابع اجتماعی شدن (مایکل گرنفل ۱۳۹۳-۲۱)

۲. نقاط قوت

. تلاش در جهت تلفیق دیدگاه‌ها و دوری از تقلیل‌گرایی
. تأکید برکنش به‌عنوان برآیند عوامل چندگانه
. طرح مسائل و ابداع واژه‌های جدید نظیر سرمایه فرهنگی، سرمایه نمادین و خشونت نمادین
. دقت در مسائل جامعه فرانسه و تحلیل آن و هم‌چنین عبور از خط قرمزهای رایج
. مخالفت با قرائت‌های ذاتگرایانه منتزع از واقعیت‌های عینی و ذهنی (زمان و مکان)
. توجه به ابعاد عینی و ذهنی کنش‌ها و ارتباط متقابل بین کنش‌ها و ساختارها
. توجه به ابعاد تاریخی پدیده‌ها (مایکل گرنفل، ۱۳۹۳- ۲۱)

منابع

۱. جاناتان، اچ ترنر، نظریه‌های نوین جامعه‌شناسی، ترجمه؛ علی‌اصغر مقدس، مریم سروش، تهران، نشر، جامعه‌شناسان،۱۳۹۴، چاپ اول
۲. پی یر، بوردیو، نظریه کنش، دلایل عملی انتخاب عقلانی، ترجمه؛ مرتضی مردی‌ها، تهران، نشر، نقش نگار،۱۳۸۰.
۳. جورج ریتزر، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه؛ محسن ثلاثی، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۸۴، چاپ دهم.

۴. گیدنز، آنتونی، جامعه‌شناسی، ترجمه؛ حسن چاوشیان، تهران، نشر، نی،۱۳۸۶.
۵. تامپوسون، کنت، نقل و قول‌های کلیدی در جامعه‌شناسی، ترجمه؛ نیره توکلی، تهران، نشر، ثالث، ۱۳۹۲.
۶.دیرک کلیسر، نظریه‌های جامعه‌شناسان کلاسیک، (از تالکوک پارسونز تا پیربوردیو) ترجمه؛ کرامت الله راسخ، تهران، نشر، جامعه‌شناسان،۱۳۹۴، چاپ اول.
۷. مایکل گرنفل، مفاهیم اساسی پیربوردیو، ترجمه؛ محمدمهدی لبیبی، تهران، نشر افکار،۱۳۸۹.
۸. کریتی شوبره، الیویه فونتن، واژگان بوردیو، ترجمه؛ مرتضی کتبی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۵، چاپ اول.
۹. ریچارد جنیکنز، پی یر بوردیو، ترجمه؛ لیلا جو افشانی و حس چاوشیان، تهران، نشر نی،۱۳۸۵، چاپ اول.
۱۰.پاتریس بود وتیز، درس‌های از جامعه‌شناسی پی یر بوردیو، ترجمه؛ جهانگیر جهانگیری، حس پور سفیر، تهران، نشر آگه،۱۳۹۶، چاپ سوم.